**سرقت جواهرات عباس میرزا نایب السلطنه**

**سعادت نوری، حسین**

در تکمیل مطالبی که محمد حسن خان اعتماد السلطنه راجع به جواهرات مسروقهء عباس‏ میرزا نایب السلطنه نوشته است و دانشمند استاد آقای سید محمد علی جمال‏زاده در شمارهء دهم سال‏ بیستم مجلهء یغما به آن اشاره فرموده‏اند اینک به نقل شرح زیر از کتاب تاریخ نو تألیف جهانگیر میرزا پسر عباس میرزا که اندکی با نوشتهء اعتماد السلطنه متفاوت است مبادرت میشود.

«در سنهء 1223 هجری که میان دولت روس و ایران جنگ قائم بود نایب السلطنه از دار السلطنهء تبریز به عزم جهاد تشریف‏فرمای سفری شده بودند و در حرم‏خانهء مبارکه دیواری‏ شکست خورده مشغول تعمیر آن بودند.علی اکبر نام بروجردی که دزدی طرار و مردی عیار بود به عزم دستبرد با دو سه نفر از دستیاران خود در آن روزها به دار السلطنهء تبریز میزیستند و به‏ عنوان عملکی چند روز در آن دیوار کار میکردند و در این ضمن فی الجمله بلدیتی به بیوتات‏ حرم‏خانه میرسانند.

«در شبی از شب‏ها فرصت کرده خود را به صندوق‏خانهء مبارکه رسانیده از قضا صندوقی‏ را بازمینمایند که کمر خنجر مرصع و بازوبند و قبای کیانی نایب السلطنه در آن صندوق بوده است‏ همهء آن اسباب را با بعضی چیزهای دیگر برداشته به درمیرود.صبح آن شب حاجی علی عسگر خواجه نظر به تدبیراتی که داشت همهء اهل حرم را متهم به دزدی نموده مسموع شد که نان سنگ‏ یک چارکی را یک لقمه کرده فردا فرد به اهل حرم تکلیف می‏نمود که به یک دفعه آن لقمه را بلع‏ نمایند و هرکه از بلع آن عاجز می‏شد او را دزد نامیده به اذیت او اقدام میکرد.

«القصه علی ابکر دزد با همراهان به بروجرد رفته دیوار بالاخانه‏ای را شکافته اسباب‏ مسروقه را در آنجا پنهان نمودند.پس از مدتی در بالای قسمت اموال در میان رفقا نزاع واقع‏ شده علی اکبر به تبریز آمده به خدمت نایب السلطنه محمد تقی میرزا این معنی را اظهار کرده‏ مطالبهءد اموال را نمودند.حسام السطنه اموال را از جائی که پنهان بود بیرون برده طمع در الماس‏های آویز بازوبند کرده الماسها را برداشته باقی را خدمت نایب السلطنه ارسال نمود. نایب السلطنه در تمام مطالبهء آویزها برآمده جواب درستی نشنیدند تا آنکه مدتهای مدیدی‏ گذشت و پادشاه مرحوم(یعنی محمد شاه)به اورنگ سلطنت قرار گرفتند و محمد تقی میرزا به‏ دار الخلافه آمدند.پادشاه مرحوم فرموده بودند که ما را طمع در مال و دولت هیچ کس نیست‏ ایشان نیز نباید طمع در مال ما نمایند و فرمان مبارک به عهدهء ابو الفتح میرزا پسر حسام السلطنه‏ صادر شده محصل به بروجرد رفت و الماس‏های مغصوبه را بعینها حکما از ابو الفتح میرزا بازیافت نموده به جای خود نصب نمودند و این حکایت از جهت غرابت و عبرت نوشته‏اند.»

تصحیح اغلاط چاپی مقالهء قبل

در ص 526 سطر 19 مخبر الدوله اشتباه و مخبر السلطنه درست است و در سطر 24 و 28 وزیر خارجه اشتباه وزیر خالصه درست است.